**جلسه 33**

**دو‌شنبه - 15/۰9/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

‌بحث راجع به این بود که برخی گفتند نمازهای یومیه یک وقت اختیاری دارد، ‌یک وقت اضطراری دارد و جایز نیست در حال اختیار شخص تاخیر بیندازد نماز واجب را از وقت اختیاری.

گفتند وقت اختیاری نماز ظهر این است که سایه چهار هفتم شاخص بشود. اگر عمدا، بدون عذر تاخیر بیندازند مکلفین نماز ظهر را از این زمان، ‌گناه کردند.

برخی هم گفتند اگر تاخیر بیندازند نماز ظهر را از زمانی که سایه به اندازه شاخص برسد گناه کردند. که در مبسوط نقل شده که شیخ این را فرموده.

ما روایات را بررسی می‌کردیم. راجع به این روایتی که دیروز خواندیم، ‌روایت چهارم که روایت ابراهیم کرخی بود، باز مناسب هست برگردیم و یک مقدار استدلال صاحب حدائق را به این روایت تقویت کنیم و حق مطلب را اداء کنیم.

متن روایت این است: سألت اباالحسن موسی علیه السلام، ابراهیم کرخی می‌گوید از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم متی یدخل وقت الظهر؟ قال اذا زالت الشمس فقلت متی یخرج وقتها؟‌ قال من بعد ما یمضی من زوالها اربعة اقدام، وقت نماز ظهر تمام می‌شود آن موقعی که سایه چهار هفتم شاخص بشود، ان وقت الظهر ضیقٌ لیس کغیره، وقت نماز ظهر تنگ است، مثل غیر او نیست، قلت فمتی یدخل وقت العصر؟ قال ان آخر وقت الظهر هو اول وقت العصر. اول وقت عصر همین زمانی است که سایه چهار هفتم شاخص می‌شود، قلت فمتی یخرج وقت العصر؟‌ قال وقت العصر الی ان تغرب الشمس و ذلک من علة، ‌مهلت نماز عصر تا غروب آفتاب است ولی در صورتی که شما یک علتی و عذری داشته باشید و هو تضییع، ‌اما بدان تاخیر نماز عصر به آخر وقت تضییع است، ‌فقال...

[سؤال: ... جواب:] نخیر. بدون علت دیگه. با علت عذر است دیگه. و هو تضییع یعنی و هو تضییع اذا صدر من غیر علة. ظاهرش این است دیگه. می‌گوید من علة مهلت داری تا غروب آفتاب نماز عصر را بخوانی. و هو تضییع. اما بدان این تضییع نماز عصر است. یعنی اختیارا این کار را نکن.

فقلت له لو ان رجلا صلی الظهر بعد ما یمضی من زوال الشمس اربعة اقدام، ‌اگر بعد از رسیدن سایه به چهار هفتم شاخص نماز ظهر را بخواند أکان عندک غیر مؤد لها؟‌ به نظر شما نماز ظهر را اداء نکرده؟ فقال علیه السلام ان کان تعمد ذلک لیخالف السنة و الوقت لم یقبل منه کما لو ان رجلا أخّر العصر الی قرب ان تغرب الشمس متعمدا من غیر علة لم یقبل منه ان رسول الله صلی الله علیه و آله قد وقّت للصلوات المفروضات اوقاتا و حدّ لها حدودا لسنته فی الناس فمن رغب عن سنة من سننه الموجبات کان مثل من رغب عن فرائض الله.

اشکال کردند به این استدلال که این روایت تاخیر نماز ظهر و عصر را از وقت فضیلت می‌گوید به غرض مخالفت سنت و اعراض از سنت و رغبت از سنت و معلوم است که این کار حرام می‌شود. این اشکالی است که آقای خوئی مطرح کرده.

خب صاحب حدائق می‌تواند جواب بدهد از این اشکال. بگوید که:

اولا: من به آن صدر روایت تمسک می‌کنم که: متی یخرج وقتها؟ قال من بعد ما یمضی من زوالها اربعة‌ اقدام. و همین‌طور تمسک می‌کنم به تعبیر و هو تضییع که در نماز عصر گفتند اگر قبل از غروب آفتاب نماز عصر را بخوانی نزدیکی‌های غروب آفتاب نماز عصر را بخوانی تضییع است. تضییع است یعنی خلاف مخافظت بر صلات است. حافظوا علی الصلوات. شما داری تضییع می‌کنی نماز را. خب این هم خلاف امر خدا است به محافظت بر صلوات.

[سؤال: ... جواب:] محافظت بر صلوات واجب است یا نه؟ ... اعرفوا شیعتنا به محافظت بر صلوات، دیگه. ... محافظت بر صلوات اگر واجب است، ‌تضییع خلاف محافظت بر صلوات می‌شود دیگه.

ثانیا: صاحب حدائق ممکن است بگوید آقا! این تعبیر که ان کان تعمد ذلک لیخالف السنة لم یقبل منه، ‌به این معنا باشد که شخص قصدش مخالفت سنت باشد، این عرفی نیست. چه کسی نماز ظهر یا عصرش را تاخیر می‌اندازد از وقت فضیلت به هدف دهن کجی به سنت پیامبر؟ مورد ندارد این. کسی که می‌خواهد این کار را بکند چرا نماز می‌خواند؟ حالا در نماز مغرب ممکن است بر اساس بدعت ابی الخطاب که تاخیر می‌انداخت نماز مغرب را تا این‌که ستاره‌ها آشکار می‌شدند، ‌زوال حمره مغربیه می‌شد، خب بدعتی بود و بخاطر بدعت این کار را می‌کرد، ‌اما نماز ظهر و عصر که همه قبول دارند از هنگام زوال وقتش هست، آن وقت این بیاید عمدا بخاطر مخالفت با سنت بگذارد نماز ظهرش را نخواند مگر بعد از گذشتن چهار هفتم شاخص، نماز عصرش را نخواند مگر بعد از نزدیکی غروب آفتاب. اصلا مورد ندارد. این عرفی نیست. این ظاهرش این است که لام، ‌لام عاقبت است. مثل فاتخذوه آل فرعون لیکون لهم عدوا و حزنا. نتیجه و عاقبت این کار این است. اینجا هم همین است. لو ان رجلا صلی الظهر بعد ما یمضی من زوال الشمس اربعة اقدام، امام می‌فرماید ان کان تعمد ذلک لیخالف السنة‌، یعنی نتیجه تعمد تاخیر نماز ظهر از این وقت مخالفت سنت است. نه این‌که هدف این شخص دهن‌کجی به سنت باشد. این عرفی نیست. شاهدش این است که در جمله بعد دیگه این تعبیر تکرار نشده‌: لو ان رجلا اخر العصر الی قرب ان تغرب الشمس متعمدا من غیر علة لم یقبل منه. دیگه اینجا نگفت لیخالف السنة. ظاهرش این است که لیخالف السنة یعنی تعمد در تاخیر مخالفت سنت است.

پس این جواب آقای خوئی درست نمی‌شود.

و این‌که ایشان فرمود که رغبت از سنت پیامبر حرام است، مراد از رغبت یعنی تعمدا ترک بکند سنت را و این روایت در سنن موجبات می‌گوید نه سنن مستحبات. اینی که آقای خوئی می‌گویند، در سنن مستحبات هم اعراض از سنت به معنای توهین به سنت و هتک سنت حرام است. این‌که اختصاص ندارد به سنن موجبات. رغبت از سنت پیامبر مثل رغبت از فرائض الله است. یعنی عمدا ترک نکنید سنن موجبه پیامبر را. این‌ها اتفاقا مؤید استدلال صاحب حدائق است که این سنن را در اوقات صلات سنن موجبات قرار داد این روایت نه از سنن مستحبات و مندوبات.

[سؤال: ... جواب:] پس برای چی گفتند سنن الموجبات؟ یعنی سننه التی اوجبها. ... نخیر. آن‌که من رغب عن سنة من سنه فرض کرده سنن پیامبر است. الموجبات یعنی سنن واجبه؛ سننی که اوجبه النبی.

پس این اشکال آقای خوئی به صاحب حدائق وارد نیست.

مرحوم شیخ انصاری اشکال دیگری کرده به این روایت. فرموده که این‌که در روایت می‌گوید متی یدخل وقت العصر؟ امام می‌فرماید ان آخر وقت الظهر و هو اول وقت العصر یقینا اول وقت عصر اول وقت اجزاء نیست؛‌ اول وقت فضیلت است. هیچکس ملتزم نیست چهار هفتم شاخص که گذشت اول وقت نماز عصر شروع می‌شود. بله، اول وقت فضیلت بحث دیگری است. اول وقت اجزاء از زوال شمس است. حالا که شد وقت فضیلت، خب این روایت راجع به وقت فضیلت دارد صحبت می‌کند. او هم که دارد می‌گوید آخر وقت ظهر یعنی آخر وقت فضیلت ظهر هو اول وقت فضیلة العصر. ربطی به بحث وجوب اتیان به نماز ظهر قبل از این‌که این ظل شاخص چهار هفتم بشود ندارد.

این فرمایش شیخ انصاری هم که در کتاب الصلاة فرموده درست نیست. قبول داریم اول وقت العصر یعنی اول وقت فضیلة العصر، اما این چه دلیل می‌شود که شما ان آخر وقت الظهر را به معنای وقت فضیلت بگیرید؟ آخر وقت ظهر اول وقت فضیلت عصر است. اشکال دارد؟ یعنی آن وقت اختیاری ظهر که اختیارا دیگه جایز نیست تاخیر نماز ظهر از آن، تا زمانی است که وقت فضیلت عصر شروع نشده. وقت فضیلت عصر شروع شد، دیگه وقت اختیاری نماز عصر گذشته. پس این‌که اول وقت العصر را ما مجبوریم بگوییم یعنی اول وقت فضیلة العصر دلیل می‌شود بر این‌که آخر وقت الظهر هو اول وقت العصر، ‌آخر وقت الظهر هم بگوییم آخر وقت فضیلة الظهر؟ آخر وقتی که در حال اختیار جایز نیست تاخیر از آن، ‌چون روایت این را می‌گفت. روایت گفت ان کان تعمد ذلک لیخالف السنة و الوقت لم یقبل منه. گفت اگر عمدا نماز ظهر را از چهار هفتم شاخص تاخیر بیندازی این مقبول نیست.

[سؤال: ... جواب:] یعنی از شما نمی‌پذیرند این کار را. ... باطل لازم نیست باشد. مثل رغبت از فرائض الله است. یعنی پذیرفته نیست از شما. مؤاخذه می‌شوید که چرا این کار را کردید؟ اشکال ما به شیخ انصاری این است که جناب شیخ انصاری! شما می‌گویید ان آخر وقت الظهر هو اول وقت العصر یقینا چهار هفتم شاخص اول وقت اجزاء عصر نیست؛ اول وقت فضیلت عصر است. این قرینه می‌شود بگوییم آخر وقت الظهر هم یعنی آخر وقت فضیلة الظهر. ما می‌گوییم چه قرینه‌ای می‌شود؟ آخر وقت الظهر یعنی آخرین وقتی که دیگر تاخیر عمدی از آن جایز نیست زمانی است که وقت فضیلت عصر شروع بشود. این اشکال دارد؟ ... فرض این است: وقت عصر روشن است. قرینه داریم یعنی وقت فضیلت عصر. این را قرینه داریم دیگه. اشکال دارد اما بفرماید آخر وقت ظهر زمانی است که وقت فضیلت عصر شروع بشود؟ نباید تاخیر بیندازی عمدا نماز ظهر را از او. ... می‌دانم. وقتی... بر فرض متحیر شد، خب سؤال کرد. متحیر شد سؤال کرد. گفت لو ان رجلا صلی الظهر بعد ما یمضی من زوال الشمس اربعة اقدام أ کان عندک غیر مؤد لها؟ امام هم فرمود ان کان تعمد ذلک لم یقبل منه کما لو ان رجلا اخر العصر الی قرب ان تغرب الشمس من غیر علة لم یقبل منه من رغب عن سنة من سننه الموجبات کان مثل من رغب عن فرائض الله. این ظاهرش وجوب است دیگه.

[سؤال: ... جواب:] امروز رغب دیگه. رغب عنه یعنی انجام نداد. رغبت عملیه است دیگه. امروز رغب دیگه. کان مثل من رغب عن فرائض الله دیگه. در فرائض الله اگر یک روز ترک کند نماز صبح را حکمش چیه؟ گناه کرده. خب این هم یک روز نماز ظهر را از وقت فضیلتش تاخیر بیندازد بعد از بلوغ چهار هفتم شاخص بخواند رغب عن سنة من سننه الموجبات.

انصاف این است که این روایت اقوی الروایات است در دلالت بر نظر صاحب حدائق.

بله، ما مجبوریم با دو قرینه از این روایت رفع ید کنیم. و الا ظهور فی حد نفسه این روایت بر نظر صاحب حدائق ظاهرا تمام هست. آن دو قرینه:

یکی روایات دیگر است که از روایات دیگر استفاده می‌کنیم استحباب تعجیل را نه وجوب آن را. صحیحه زراره: قلت لابی جعفر اصلحک الله! وقت کل صلات اول الوقتین افضل او اوسطه او آخره فقال اوله قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان الله یحب من کل خیر ما یعجَّل. اگر بناء بود واجب بود در حال اختیار اتیان به نماز ظهر قبل از این‌که ظل به چهار هتفم شاخص برسد، این تعبیر که ان الله یحب من الخیر ما یعجل تعبیر عرفی نبود. این ظاهرش استحباب است.

[سؤال: ... جواب:] اصلحک الله! وقت کل صلات اول الوقت افضل او وسطه او آخره‌؟‌ فقال اوله قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان الله یحب من کل خیر ما یعجل.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که مراد... نه. فرض این است که وقت نماز ظهر به قول مطلق تا غروب آفتاب است. مبادرت در حال اختیار و عدم عذر به نماز ظهر واجب باشد یک بحث است، اما این‌که وقت نماز ظهر تا غروب آفتاب، ‌به لحاظ هم افراد معذور و به لحاظ اجزاء. و لذا این روایت می‌گوید وقت الصلاة اول الوقت افضل او وسطه او آخره، یعنی نماز ظهر یک وقت فضیلتی دارد یک وقت آخری دارد. خب وقت فضیلتش تا چهار هفتم شاخص است. آن وقت این روایت می‌گوید ان الله یحب من الخیر ما یعجل. این معلوم می‌شود واجب نیست. اگر واجب بود تعبیر نمی‌کردند خدا کار خیری را دوست دارد که با عجله انجام بدهیم.

[سؤال: ... جواب:] آخه فرض این است که از روایات دیگر می‌خواهید استفاده بکنید که تعجیل واجب است در نماز ظهر. آخه این روایت می‌گوید ان الله یحب من الخیر ما یعجل. این لسان با وجوب تناسب ندارد.

[سؤال: ... جواب:] یعنی اقوی ظهورا در استحباب است تا این روایت ابراهیم کرخی در وجوب. عرف این را قرینه قرار می‌دهد بر این‌که این تأکد استحباب است.

[سؤال: ... جواب:] اتفاقا این فرمایش شما مؤید ما است که اول الوقت افضل مراد اول زوال نیست. اول زوال که افضل نیست. ... یعنی ما یک وقت فضیلت داریم، ‌یک وقت متوسط داریم، یک وقت آخر داریم. پس این‌که می‌گوید ان الله یحب من الخیر ما یعجل یعنی بهتر است در وقت فضیلت بخوانید. ... حالا این روایت را هم گوش بدهید...

[سؤال: ... جواب:] اتفاقا زراره... نه. گفت وقت کل صلات اول الوقت افضل او وسطه او آخره؟ خب نمی‌دانست. راجع به مواقیت نماز اینقدر روایات مختلف بود، عرض کردم زراره یکی از کسانی است که درگیر این روایت بوده. کان یصلی الظهر اذا بلغ الظل مثله و کان یصلی العصر اذا بلغ العصر مثلیه. زراره این‌جوری بود. این‌جوری فهمیده بود. و در یک روایتی هست که بعدا ان‌شاءالله می‌خوانیم که به امام علیه السلام عرض می‌کند راوی که چرا شیعیان شما اینقدر اختلاف دارند، من وارد مسجد می‌شوم می‌بینم یکی نماز ظهر می‌خواند، ‌یکی نماز عصر می‌خواند، ‌امام فرمود من خودم ایجاد کردم اختلاف را بین شیعیان خودم، ‌حتی لایؤخذ برقابهم، ‌تا این‌که اختلاف پیدا کنند و دشمن حساس نشود به این‌ها. حالا این روایت را بعدا ان‌شاءالله می‌خوانم. این اختلافات بوده. و لذا شما می‌گویید زراره چرا سؤال کرد، زراره به همین جهت اختلافاتی که هست این سؤال را کرد. امام به او فرمود که ان الله یحب من الخیر ما یعجل. این معلوم می‌شود که واجب نبوده؛‌ اگر واجب بوده این‌جور تعبیر نمی‌کرد.

حالا روایت دوم را هم دقت کنید! روایت داوود بن فرقد [قاسم بن عروهکه به نظر ما معتبر است، مثل همین ابراهیم کرخی که مروی‌عنه ابن ابی عمیر است، ‌او هم مروی‌عنه ابن ابی عمیر است. اگر مشکلی باشد در هر دو هست، اگر هم معتبر باشند هر دو معتبر است. در این روایت قاسم بن عروه، ‌روایت قاسم بن عروه، قاسم بن عروه مروی‌عنه ابن ابی عمیر است.

روایت این‌جور دارد: اذا زالت الشمس فقد دخل وقت الظهر و العصر جمیعا الا ان هذه قبل هذه ثم انت فی وقت منهما جمیعا حتی تغیب الشمس. فرمود که اذان ظهر که بگویند وقت نماز ظهر و عصر داخل می‌شود، سپس تو در سعه هستی، ثم انت فی وقت منهما، در سعه هستی از حیث نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب. خب این نمی‌سازد با این‌که شخص مختار ملزم باشد به اتیان نماز ظهر در وقت فضیلت.

[سؤال: ... جواب:] اطلاقش را تقیید می‌زنید به حال اضطرار؟ ... ثم انت فی وقت منهما یعنی ثم انت فی سعة منهما. معنایش این است دیگه. ثم انت فی سعة منهما حتی تغیب الشمس. ... بله؟ ... نه. این تعبیر بگویند ثم انت فی سعة منهما این می‌سازد با این‌که در جای دیگر بگویند در حال اختیار اگر در وقت فضیلت نماز نخوانی، نماز ظهرت را نخوانی، تضییع است، ‌رغبت از سنت موجبه پیامبر است و مثل رغبت از فریضة الله است، با این تناسب دارد؟ ... آخه شما نتیجه این تقییدتان این است که این روایت ثم انت فی وقت منهما را حمل می‌کنید بر فرض اضطرار. این عرفی نیست که امام ناظر باشد به افراد مضطر.

[سؤال: ... جواب:] ثم انت فی وقت منهما حکم وضعی نیست. ظاهرش حکم تکلیفی است. یعنی ثم انت فی سعة منهما. ... روایت گفت که اگر من غیر علة تاخیر بیندازی این تضییع است در آن روایت ابراهیم کرخی. خب شما اگر این را حمل می‌کنید بر کسی که علت دارد، ‌بیمار است، مسافر است، ‌خب این جمع عرفی نیست؛ حمل کنید یک خطاب مطلق را بر افرادی که دارای عذرند. ‌خوردن شیر حلال است بعد بگوییم مراد افرادی هستند که بیمارند، ‌در سفرند، ‌خب این عرفی نیست. ... عصیان بکنی فقط مجزی است در آخر وقت. ولی تعبیر نمی‌توانند بکنند ثم انت فی وقت منهما‌ای فی سعة منهما. فی وقت منهما یعنی مهلت داری. ثم انت فی وقت منهما نه وقتهما باقٍ به معنای حکم وضعی. ثم انت فی وقت منهما حتی تغیب الشمس ظهور عرفیش این است که مهلت دارید تا آن موقع.

حالا این قرینه روایات دیگر.

قرینه دوم فتاوای عامه است. به نظر ما این روایت ابراهیم کرخی ظهورش موافق با قول عامه است که می‌گویند وقت نماز ظهر تا غروب آفتاب نیست. عامه این را می‌گویند. خب این روایت هم می‌گوید وقت نماز ظهر به این است که چهار هفتم شاخص بشود سایه، وقت نماز ظهر ضیق است، مثل وقت نماز عصر نیست، ‌وقت نماز ظهر موقعی تمام می‌شود که وقت نماز عصر یعنی وقت فضیلت نماز عصر شروع می‌شود. خب این قسمتش مطابق با قول عامه است. ما تسالم قطعی داریم از اصحاب که وقت نماز ظهر تا غروب آفتاب است. آن وقت این روایت می‌گوید که وقت الظهر ضیقٌ، یخرج وقت الظهرعند دخول وقت العصر. این لسان موافق عامه است. شمای صاحب حدائق دارید توجیه می‌کنید می‌گویید مراد از این‌که وقت الظهر ضیق، ‌یخرج وقت الظهر اذا دخل وقت العصر این است که اختیارا تاخیر نینداز ولی اگر تاخیر بیندازی حتی اختیارا قضاء نمی‌شود. خب این توجیه است. این حمل روایت است بر معنای خلاف ظاهر. ما که نمی‌توانیم روایتی را که ظهورش موافق عامه است و خلاف تسالم شیعه است، بگوییم چون این ظهورش موافق عامه است و خلاف تسالم شیعه است بیاییم حملش کنیم بر یک معنای خلاف ظاهر و به او اخذ کنیم. نخیر. متعین نیست که حمل کنیم بر معنای خلاف ظاهر شمای صاحب حدائق. حملش می‌کنیم بر وقت فضیلت و تأکد استحباب.

[سؤال: ... جواب:] آخه روایت گفت که متی یخرج وقت الظهر دیگه. روایت این بود دیگه: ان آخر وقت الظهر، گفت متی یخرج وقتها، ‌وقت الظهر؟ قال من بعد ما یمضی من زوالها اربعة اقدام ان وقت الظهر ضیق لیس کغیره قلت فمتی یدخل وقت العصر فقال ان آخر وقت الظهر هو اول وقت العصر قلت فمتی یخرج وقت العصر‌؟ قال وقت العصر الی ان تغرب الشمس و ذلک من علة و هو تضییع، ‌بعد راوی می‌گوید: لو ان رجلا صلی الظهر بعد ما یمضی من زوال الشمس اربعة اقدام أ کان عندک غیر مؤد لها؟ آنجا امام می‌فرماید اگر تعمد بکند و مخالفت کند با وقتی که رسول الله تعیین کرده پذیرفته نیست. ... خب می‌دانم. این تعبیر این است که وقت نماز ظهر تا اربعة اقدام است. خب یعنی تا غروب شمس نیست. وقت نماز عصر تا غروب شمس است. آخه طبق بیان شما چه فرق است ما بین نماز ظهر و عصر؟ چه جور شد نماز عصر را گفتید تا غروب شمس وقت دارد. متی یخرج وقت العصر قال الی ان تغرب الشمس. به نماز ظهر که رسیدید گفتید اربعة اقدام. اگر وقت اختیاری را می‌گویید، وقت اختیاری نماز عصر هم شما گفتید که تا غروب آفتاب نیست. و هو تضییع. ... اگر وقت اختیاری می‌گویید وقت اختیاری نماز عصر هم تا غروب آفتاب نیست. ... نه. مضمون این روایت خلاف تسالم فقهاء شیعه است. ... اگر شما وقت اختیاری می‌گویید نماز عصر هم وقت اختیاریش خود روایت گفت که تا غروب آفتاب نیست. اگر نزدیک غروب آفتاب صبر کنی نماز عصر را عمدا بخوانی این مخالفت با سنت پیامبر است و تضییع است. ولی در عین حال فرمود که وقت العصر الی ان تغرب الشمس. و اگر وقت اضطراری را می‌گویید، ‌نماز عصر وقت اضطراریش غروب شمس است، ‌خب نماز ظهر هم وقت اضطراریش غروب شمس است.

[سؤال: ... جواب:] شما می‌گویید وقت نماز ظهر تا چهار قدم است، تا چهار هفتم ظل شاخص. فرق می‌کند وقت نماز ظهر با وقت‌های نمازهای دیگر. ضیق لیس کغیره. پس اینجا اگر وقت اضطراری را می‌گویید آن وقت، نماز عصر را اگر وقت اضطراریش را می‌گویید قطعا وقت اضطراری نماز ظهر تا اربعة اقدام نیست. اگر وقت اختیاری را می‌گویید آن وقت نماز عصر را می‌گویید الی ان تغرب الشمس در حالی که وقت اختیاری نماز عصر هم تا غروب شمس نیست طبق نص این روایت.

و لذا مضمون این روایت لااقل اگر موافق قول عامه نباشد در این جهت، در این جهت که تا غروب آفتاب قرار نداد وقت ظهر را، از این جهت موافق عامه است و الا این را عرض کنم، ‌عامه من ندیدم اربع اسباع شاخص، ‌اربعة‌ اقدام. نگاه کنید، ‌الفقه علی المذاهب الاربعة جلد 1 صفحه 183 و مغنی ابن قدامة را هم نگاه کنید جلد 1 صفحه 225، عامه نوعا می‌گویند وقت ظهر قبل از غروب آفتاب تمام می‌شود. حالا بعضی‌هایشان گفتند که بلوغ الظل مثله. ابوحنیفه می‌گوید بلوغ الظل مثلیه. سایه شاخص دو برابر بشود. آن وقت فقط از طاووس نقل کردند که وقت نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب است مثل مشهور فقهاء امامیه. مشهور عامه وقت نماز ظهر را می‌گویند تمام می‌شود. حالا یا بلوغ الظل مثله یا بلوغ الظلم مثلیه. فقط در کتاب مغنی ابن قدامه از مالک نقل می‌کند می‌گوید اگر عمدا تاخیر بیندازد از این بلوغ الظل مثله قضاء‌ نیست؛ اداء‌ است. و این روایت در این‌که آخر وقت نماز ظهر را غروب آفتاب قرار نداد می‌شود موافق عامه و لااقل می‌شود مصداق این روایت معتبره که می‌گوید ما سمعتم منی یشبه قول الناس ففیه التقیة. این صحیحه مصداق ما سمعتم منی یشبه قول الناس است. ففیه التقیة.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.